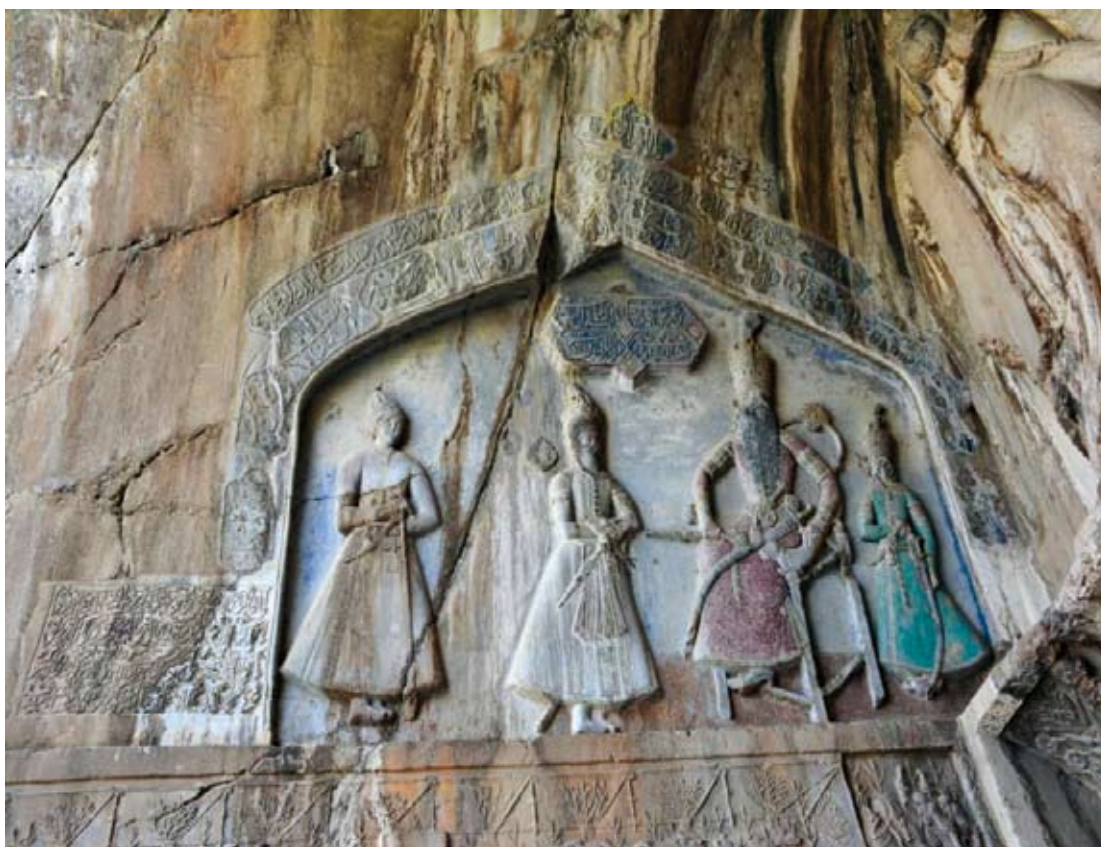


مطالعه تطبیقی هنر پیکرنگاری
درباری محمدعلی دولت‌شاه حاکم
کرمانشاه در دوره قاجار (۱۲۳۷-۱۱۶۷)
با آثار دوره فتحعلی شاه قاجار
۹۱-۷۳ / (۱۲۵۰-۱۲۱۲)



نمای کلی سنگ‌نگاره دولت‌شاه،
فرزند آقا غنی، طاق‌بستان،
کرمانشاه، مأخذ: سازمان
میراث فرهنگی کرمانشاه.



مطالعه تطبیقی هنر پیکر نگاری درباری محمدعلی دولتشاه حاکم کرمانشاه در دوره قاجار (۱۲۳۷-۱۱۶۷) با آثار دوره فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰)

* الهه پنجه باشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۲۹

صفحه ۷۳ تا ۹۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

محمدعلی دولتشاه، حاکم کرمانشاه فرزند ارشد فتحعلی شاه قاجار است. او در دوره حکمفرمایی بر کرمانشاه اقدامات و خدمات ارزنده‌ای از خود برجای گذاشت. در دربار او، هنر مانند دربار تهران فعال بوده و تنوع آثار هنری مانند سنگ‌نگاره و نقاشی و غیره دیده می‌شود. موضوعات این آثار رسمی و درباری و متأثر از مکتب تهران است. هدف این پژوهش مطالعه آثار به‌جای مانده از دربار محمدعلی دولتشاه که شامل سنگ‌نگاره، نقاشی و تمثال نقاشی شده است. همچنین پی بردن به وجوه شباهت آثار دربار دولتشاه با دربار پدرش فتحعلی شاه است و از تطبیق آثار مشخص می‌شود، دولتشاه با هدف تأکید بر شباهت‌های تصویری خویش و فتحعلی شاه، به اعتراض بر عدم انتخاب ولیعهدی با کشف ارزش و اهمیت تصویر پرداخته است. **سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از:** ۱. چه ارتباطی میان آثار دربار دولتشاه با آثار هنری دوره فتحعلی شاه دیده می‌شود؟ ۲. وجوه تشابه آثار دربار دولتشاه و فتحعلی شاه قاجار در چیست؟ **روش تحقیق** مطالعه پیش‌رو پژوهشی بنیادین است و در راستای شناخت بهتر آثار مربوط به محمدعلی دولتشاه است؛ نوع پژوهش در این پژوهش به روش تطبیقی با ماهیت تاریخی و به صورت کیفی انجام شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام شده است. با توجه به موضوع مطالعه چند نمونه به روش تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به وسیله‌ی معیارهای مرتبط به روش منطقی و قیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و شیوه تحلیل آثار بر مبنای روش کیفی است. شیوه تحلیل آثار بر اساس بررسی اصول و قواعد تجسمی به‌کاررفته، در ویژگی‌های ظاهری آثار تجسمی و بر اساس تحلیل منطقی و قیاسی آثار است. **نتایج** این پژوهش نشان می‌دهد؛ آثار هنری به‌جای مانده از دوره دولتشاه متأثر از هنر رسمی و پیکرنگاری درباری از این دوره بوده و به‌عنوان سندی تاریخی برای ثبت و نمایش قدرت او و در اعتراض به عدم ولیعهدی به کار می‌رفته است. در تمامی تصاویر او با هیات فتحعلی شاه دیده می‌شود و بر مشروعیت خود برای رسیدن به سلطنت تأکید دارد.

واژگان کلیدی

قاجار، پیکرنگاری، میرزا محمدعلی دولتشاه، فتحعلی شاه، هنر درباری.

دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، هیات علمی دانشگاه الزهرا س، تهران، ایران

Email: e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

مقدمه

هنر ایران در دوره قاجار با قوانین دوره‌های گذشته هنر ایران ادامه یافت. هنر در این دوره یکی از ابزارهای نمایش قدرت به شمار می‌رفت. محمدعلی دولت‌شاه فرزند ارشد، «فتحعلی شاه» از زیبا چهرخانم که به علت نبودن مادرش از طایفه قاجار به‌عنوان ولیعهد انتخاب نشد، از فرزندان قدرتمند و دلیر «فتحعلی شاه» قاجار است. او در دربار خود به تولید آثار هنری مانند تهران می‌پرداخت. مقاله‌ی حاضر به بررسی بصری تحولات هنری در سه اثر برجای مانده از دربار محمدعلی دولت‌شاه می‌پردازد و با مطالعه‌ی ویژگی‌های آن به اهمیت دربار او، در نمایش قدرت می‌پردازد. در برخی از پژوهش‌ها سنگ‌نگاره دولت‌شاه به‌اشتباه فتحعلی شاه تلقی شده، به‌طور مثال فلور (۱۳۹۵) در کتاب خود به نقاشی‌های دیواری دوره قاجار اشاره داشته و این اثر را نیز توضیح داده ولی در صفحه ۳۳۶ این کتاب تصویر سنگ‌نگاره «محمدعلی دولت‌شاه» به‌اشتباه «فتحعلی شاه» نوشته شده است که احتمالاً به علت عدم آگاهی مترجم کتاب (بهارلو) در مورد شناخت این اثر هنری قاجار بوده است. در مقاله‌ی چیت‌سازیان، رحیمی (۱۳۹۱، ۷۴) به‌اشتباه از نوادگان «فتحعلی شاه» ذکر شده است. همچنین در مقاله‌ی نوری، حسنی (۱۳۹۶، ۳) این سنگ‌نگاره به‌اشتباه «فتحعلی شاه» ذکر شده است. با توجه به این موارد هدف از این تحقیق رفع ابهامات در پژوهش‌های ذکر شده است. هدف این پژوهش مطالعه آثار به‌جای مانده از دربار محمدعلی دولت‌شاه شامل سنگ‌نگاره، نقاشی و تمثال نقاشی شده است. این پژوهش به‌منظور پی بردن به وجوه شباهت آثار دربار دولت‌شاه با دربار «فتحعلی شاه» انجام شده و از تطبیق آثار مشخص می‌شود دولت‌شاه با هدف تأکید بر شباهت تصویری خود و «فتحعلی شاه» به اعتراض بر عدم انتخاب ولیعهدی با کشف ارزش و اهمیت تصویر پرداخته است.

سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چه ارتباطی میان آثار دربار دولت‌شاه با آثار هنری دوره‌ی «فتحعلی شاه» دیده می‌شود؟ ۲. وجوه تشابه آثار دربار دولت‌شاه و فتحعلی شاه قاجار در چیست؟ **ضرورت و اهمیت تحقیق** در این است که آثار هنری به‌جای مانده از دربار محمدعلی دولت‌شاه به لحاظ بررسی‌های فرهنگی و هنری و اقدامات او شایان اهمیت است؛ این آثار از حیث بررسی شیوه طراحی، تولید و سبک طراحی به اهمیت هنر در دربار محمدعلی دولت‌شاه اشاره دارد و بیانگر ویژگی‌های فرهنگی و هنری دربار او است و از این نظر حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت شخصیت دولت‌شاه در دوره‌ی قاجار، اقدامات او و اهمیت نقش او، در دفاع از مرزهای ایران در دوره‌ی قاجار، عدم انتخاب او برای جانشینی و همچنین شباهت فراوان او با پدرش فتحعلی شاه، مشخص نبودن افراد در سنگ‌نگاره که به‌اشتباه فرزندان، پسران یا دختران

ذکر شده است، در صورتی که تنها فرزند او و جانشینش «محمدحسین میرزا» در پشت سر او با لباس سبز نقش شده است؛ لذا ضرورت تصحیح اشتباهات پژوهشگران در مورد او ضروری است. این موضوع علی‌رغم پرداختن به هنر پیکرنگاری درباری، دوره اول قاجار تاکنون انجام نشده است و ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

پژوهش پیش رو بنیادین و در راستای شناخت بهتر آثار مربوط به «محمدعلی دولت‌شاه» است. پژوهش به روش تطبیقی با ماهیت تاریخی و به‌صورت کیفی انجام شده و همچنین روش جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و تصاویر به روش عکاسی، اسکن و بارگیری از نسخه‌های اینترنتی صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش سنگ‌نگاره «محمدعلی دولت‌شاه» در کرمانشاه، نقاشی پیکرنگاری از «دولت‌شاه» اثر «جعفر»، تمثال نقاشی شده با قوانین پیکرنگاری درباری در حراج «ساتبیز» انگلستان است. در این پژوهش آثار پیکرنگاری درباری دولت‌شاه در تطبیق با آثار دوره «فتحعلی شاه» قاجار و قوانین آن مورد تطبیق قرار می‌گیرد، این آثار به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند، به این ترتیب که با توجه به موضوع مطالعه چند نمونه به روش تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به‌وسیله‌ی معیارهای مرتبط به روش منطقی و قیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. شیوه تحلیل آثار بر اساس اصول و قواعد تجسمی به‌کاررفته در ویژگی‌های ظاهری آثار تجسمی و بر اساس تحلیل منطقی و قیاسی آثار است. شیوه تجزیه و تحلیل کیفی است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد «میرزا محمدعلی دولت‌شاه» صورت گرفته ولی در این پژوهش‌ها به‌صورت مستقل به دربار «محمدعلی دولت‌شاه» و آثار تولیدشده در دربار وی پرداخته نشده است؛ همچنین پژوهش‌ها انجام شده دارای اشتباهاتی بوده و او را به‌اشتباه، به علت شباهتش با فتحعلی شاه، «فتحعلی شاه» قاجاری ذکر و معرفی کرده‌اند؛ همچنین در اغلب منابع نوشته شده است دولت‌شاه و پسران در صورتی که در سنگ‌نگاره تنها فرزند او «محمدحسن میرزا» با لباس سبز نقش شده و دو نفر دیگر «آقاغنی» و «امام قلی میرزا» (عمادالدوله) هستند و باید در پژوهش‌های جدیدتر این موارد مورد اصلاح قرار گیرد؛ از این رو ضرورت دارد این اشتباهات اصلاح و در پژوهش‌های آتی با توجه بیشتری مورد بررسی قرار گیرد، این موضوع اهمیت و جنبه نوآوری پژوهش را نیز نشان می‌دهد. در بیشتر پژوهش‌ها به سنگ‌نگاره دولت‌شاه اشاره شده ولی نقاشی و تمثال او مورد بحث و توجه قرار گرفته است.

۱. حراج ساتبیز، Sothebys.
حراج تخصصی آثار هنری، ۹۰
مرکز در ۴۰ کشور، مرکز اصلی:
لندن- بریتانیا (www.sothebys.com).

۲. شاهزاده امام‌قلی میرزا (عمادالدوله):
پسر ششم «محمدعلی میرزا
دولت‌شاه» بود. برای سالیان
متمادی حاکمیت ایالات غربی
ایران را بر عهده داشت و به‌عنوان
والی غرب و سرحد دار عراقین
خوانده می‌شد. امام‌قلی میرزا
در سال (۱۲۶۸ ه.ق) و در زمان
سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌عنوان
حاکم کرمانشاهان منصوب شد
و یک سال بعد، در سال ۱۲۶۹
ه.ق. لقب «عمادالدوله» را کسب
کرد (wikipedia.org).



از آغاز تا سده سیزدهم» این سنگ‌نگاره را معرفی کرده و آن را توضیح داده است، همچنین در کتاب مرادی (۱۳۸۳) با عنوان «طاق‌بستان به این سنگ‌نگاره» نیز اشاره شده است.

دبیا (۱۹۹۸) در کتاب خود با عنوان «Royal Persian Paintings» تنها مورد پژوهشی است که به نقاشی دولت‌شاه اثر «جعفر» اشاره داشته و او را معرفی کرده است. توضیح «سایت بونامز» در مورد تمثال نقاشی شده «محمدعلی دولت‌شاه» تنها مطلبی است که به این تمثال اشاره داشته و در جای دیگری مطلبی در مورد نقاشی و تمثال «محمدعلی دولت‌شاه» مطلبی یافت نشده است. در این پژوهش با استفاده از منابع مورد اشاره سعی شده است، پژوهش جامعی در مورد آثار هنری تولید شده در دربار دولت‌شاه صورت گیرد و ارتباط این آثار با مسئله جانشینی و استفاده آگاهانه دولت‌شاه از اهمیت تصویر و پیروی از مسیر پدرش در تولید آثار هنری پرداخته شود. از آنجاکه در اکثر منابع به اشتباه دولت‌شاه را «فتحعلی شاه» ذکر کرده‌اند، این پژوهش درصدد رفع این اشتباهات و معرفی آثار تصویری با محوریت شاهزاده محمدعلی دولت‌شاه است.

زندگینامه «محمدعلی دولت‌شاه» حاکم کرمانشاه در دوره قاجار (۱۲۰۳-۱۲۳۷)

با توجه به اهمیت شناخت «میرزا محمدعلی دولت‌شاه» و دربار او در زمینه آثار هنری و اینکه در منابع فارسی متعدد به علت شباهت با «فتحعلی شاه» قاجار به اشتباه از نام «فتحعلی شاه» استفاده شده است؛ از این رو ضرورت دارد در این پژوهش به معرفی «میرزا محمدعلی دولت‌شاه»، اقدامات و آثار هنری دربار او به صورت مجزا پرداخته شود. «او از شاهزادگان به نام ایرانی در دوره قاجار و سرسلسله خاندان دولت‌شاهی است» (بایوردی، ۱۳۴۷: ۹۰۴). وی در مازندران در روستای «نوا» متولد شد؛ پدرش سلطان «فتحعلی شاه» قاجار و مادرش سی‌وسومین همسر «فتحعلی شاه» به نام «زینبا چهارخانم» از اهالی گرجستان بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۷۳). «محمدعلی دولت‌شاه» هفت ماه از «عباس‌میرزا نایب‌السلطنه» بزرگ‌تر بود ولی چون مادرش از خاندان قاجار نبود، نمی‌توانست شاه شود (پاکروان، ۱۳۷۷: ۱۰). از جمله دلایلی که برای انتخاب نشدن «محمدعلی دولت‌شاه» به ولیعهدی وجود داشته، تنها می‌توان به قاجاری نبودن مادر «محمدعلی دولت‌شاه» اشاره کرد، قبل از تأسیس قاجاریه و به خصوص در دوره صفویه، اصل مشخصی برای انتخاب ولیعهد وجود نداشت ولی در دوره قاجار یکی از رسومات دیرین ترک‌ها یعنی اصل خون و شاهی همراه با نسب والای مادری را به عنوان شرط جانشینی اعمال کردند (کرزن، ۱۳۶۰: ۵۴۰). مادر دولت‌شاه گرجی بود و ریشه قاجاری نداشت. طبق سنت

میرزایی مهر (۱۳۹۷) در مقاله دیگری با عنوان «مقایسه تطبیقی نقش برجسته‌های ساسانی و قاجار»، سال ۸، شماره ۱۵، به الگو برداری قاجاریان از ساسانیان و به تطبیق مضمون و محتوا نیز پرداخته است. چیت‌سازیان و رحیمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «تأثیر سیاست در هنر پیکره نگاری دوره قاجار» مجله مطالعات ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، سال ۱۱، شماره ۲۱، خود تحولات سیاسی دوره قاجار را بررسی کرده و به مسئله قدرت اشاره داشته و در مقاله‌ی خود در صفحه ۷۴ به اشتباه «محمدعلی دولت‌شاه» را نواده «فتحعلی شاه» معرفی کرده است، همچنین در مقاله‌ی نوری، حسینی (۱۳۹۶) «نقش فرشته در کاشی‌کاری قاجاری صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع)»، مطالعات هنر اسلامی شماره ۲۸، در صفحه ۳ این سنگ‌نگاره به اشتباه «فتحعلی شاه قاجار» به جای «دولت‌شاه» ذکر شده است. در بخش پژوهش‌های هنری مقاله میرزایی مهر، حسینی (۱۳۹۶) مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۴ به «کشف ارزش تصویر در هنر دوره فتحعلی شاه» اشاره شده و یک نقش برجسته مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خوش آب (۱۳۹۵) رشته تاریخ گرایش دوره اسلامی در دانشگاه محقق اردبیلی با عنوان «محمدعلی میرزا دولت‌شاه قاجار» و استاد راهنما جعفرزاده و حسینی، به اقدامات نظامی محمدعلی دولت‌شاه در مقابل دشمنان داخلی و خارجی و اقدامات عمرانی و فرهنگی او در منطقه کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفته است.

در کتاب فلور (۱۳۹۵) با عنوان «نقاشی دیواری در دوره قاجاریه»، ترجمه علیرضا بهارلو، انتشارات پیکره، به نقاشی‌های دیواری دوره قاجار اشاره شده و اثر سنگ‌نگاره دولت‌شاه نیز توضیح داده شده ولی در صفحه ۳۳۶ این کتاب تصویر سنگ‌نگاره به اشتباه «فتحعلی شاه» بیان شده است که احتمالاً به علت عدم آگاهی مترجم (بهارلو) در مورد شناخت این اثر هنری قاجار بوده است. در بخش کتب کشاورز (۱۳۹۵) در کتاب «زندگی و زمانه محمدعلی میرزا دولت‌شاه» انتشارات مؤلف، به تاریخ کرمانشاه و اقدامات دولت‌شاه پرداخته است. در کتاب «دیوان دولت‌شاه: محمدعلی میرزا شاعر و ادیب حاکم کرمانشاه، لرستان، خوزستان» توسط طهماسب محتشم دولت‌شاهی (۱۳۹۴) نشر خجسته، به جمع‌آوری اشعار دولت‌شاه جد خود پرداخته است. نائیبیان، برزگر و خاکسار بلداجی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «پیامدهای اجتماعی و سیاسی رقابت محمدعلی میرزا دولت‌شاه و عباس‌میرزا» مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال ۴، شماره ۱۳، تحقیق خوب و کاملی در مورد رقابت «عباس‌میرزا» و «دولت‌شاه» بر سر سلطنت و ادعای ولیعهدی رقابت‌هایی داشتند که به اثرات مثبت و منفی آن اشاره شده است. در کتاب گلزاری، جلیلی (۱۳۴۷) با عنوان «کرمانشاهان باستان



تصویر ۱. نشان سلطنتی پلاک دایره مانند، این پلاک از ۴ قسمت تشکیل شده است، طلا با میناهای منقوش، تزیین با الماس، یاقوت و زمرد، امضا: محمدجعفر، تهران، ایران مورخ (۱۲۴۲ هجری قمری)، ۱۸۲۷-۱۸۲۶ میلادی، مأخذ: <https://collections.vam.ac.uk>

شاه بودند نشان می‌داد که رقابت بر سر سلطنت برای رقیب «عباس میرزا» یعنی «شاهزاده محمدعلی میرزا» بود. نوشته به خط نستعلیق زیر طرح شیر، محمدجعفر، سنه (۱۲۴۲ ه.ق.) (Robinson, 1999: 204). تصویر ۱، نشان طراحی شده توسط جعفر با دو شیر مقابل هم است که می‌تواند کنایه‌ای از نبرد «عباس میرزا» و «محمدعلی دولتشاه» بر سر سلطنت باشد، اما پرسش اینجاست که آیا «محمدجعفر» سازنده این نشان می‌تواند همان «جعفر نقاش دربار دولتشاه» و نقاش تصویر بزرگ نقاشی شده از او باشد؟ می‌تواند طراح سنگ‌نگاره از دولتشاه باشد؟ این موارد به علت فقدان اطلاعات می‌تواند فرضیه احتمالی باشد که هنرمندی به نام «جعفر نقاش باشی» دربار دولتشاه بوده و به احتمال زیاد می‌تواند یک نفر باشد.

به دنبال عهدنامه گلستان و تعهد روس‌ها به حمایت از «عباس میرزا»، انگلیسی‌ها در عهدنامه‌ای جدید فصل

قبیله‌ای ولیعهد می‌بایست از دو طرف از خانواده قاجار باشد و آقا محمدخان به این قانون سخت پایبند بود و خود در سن کودکی «عباس میرزا» را به ولیعهدی انتخاب کرد. مادر عباس میرزا «آسیه خانم دولو» و از شاخه رقیب قویونلو بوده که «آقا محمدخان» برای اینکه هم سنت قبیله‌ای را اجرا کند و هم بتواند با ایجاد پیوند خونی بین دو قبیله از اختلاف آن‌ها بکاهد، به انتخاب ولیعهدی که از نسل دوشاخه رقیب باشد، اقدام کرد (پاکروان، ۱۳۷۶: ۱۰).

خواهر او «ام‌السلمه» مشهور به «گلین خانم» عیال «زین‌العابدین خان» پسر «حسین قلی خان» برادر «فتحعلی شاه» بود و این بانو خط‌نسخ را بسیار نیکو می‌نوشته و چند جلد قرآن به خط خود نوشته به عتبات عالیات وقف و اهدا نموده است (بایبوردی، ۱۳۴۷: ۹۰۴). «محمدعلی دولتشاه» در سال ۱۲۱۲ حاکم فارس، سال ۱۲۱۴ حاکم قزوین و گیلان، ۱۲۱۹ حاکم خراسان و لرستان و در نهایت در سال ۱۲۲۱ حاکم کرمانشاه بوده است (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۷۳). «فتحعلی شاه»، پسرش محمدعلی دولتشاه را از ولیعهدی به خاطر برادر جوان‌ترش «عباس» که پسر محبوب «فتحعلی شاه» بود کنار گذاشت. در عوض سپردن تاج و تخت به «عباس میرزا»، حفاظت از مرزهای حساس در غرب ایران به «محمدعلی دولتشاه» سپرده شد. او یکی از لایق‌ترین فرمانداران دوره قاجار بود اما به‌زودی با قدرت فراوانی که در منطقه خود (کرمانشاه) یافت، به‌عنوان یک تهدید جدی برای دیگر فرمانداران و برادران و حتی خود «فتحعلی شاه» ظهور کرد. «حیمز بیل فریزر»^۱ مسافر و دیپلمات اشاره می‌کند زمانی که خبر مرگ پسر بزرگ شاه (محمدعلی دولتشاه) به تهران و به «فتحعلی شاه» رسید، اندوه کمی در چهره شاه بروز کرد که فریزر را بسیار متعجب می‌کند. منابع تاریخی از دربار محمدعلی دولتشاه به‌عنوان یک دربار حامی هنر و هنرمندان و شاعران با استعداد و با ذوق نام می‌برند (Diba & Ekhtiar, 1998: 190).

هرچند «محمدعلی دولتشاه» در ابتدا از اقدام نظامی علیه حکومت مرکزی برای رسیدن به تاج و تخت خودداری کرد، ولی همواره این را در ذهن خود داشته است که پس از «فتحعلی شاه» تکلیف تاج و تخت را شمشیر تعیین خواهد کرد و حتی با الهام گرفتن از این اندیشه برای نیروی نظامی خود در کرمانشاه نشانی را طراحی کرده بود که در آن نشان تاجی در میان دو شمشیر قرار گرفته بود و به خاطر ربودن تاج، آن دو شیر باهم در حال پیکارند (Kepple, 1827: 16).

دستور ساخت بسیاری از نشان‌ها در دوره قاجار آغاز شد. یکی از زیباترین آن‌ها نمونه‌ای است که توسط «محمدعلی دولتشاه» حاکم کرمانشاه برای افسران خارجی در استخدام خود سفارش داده شده بود. طبق نظر «جورج کاپل»^۲ سفارش تصویر دو شیر که در اطراف

«محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله» حاکم کرمانشاه شد (تصویر ۲).

اعطای حکومت‌های متعدد به «محمدعلی دولت‌شاه» از طرف شاه به این دلیل بوده است تا از این طریق دشمنی «محمدعلی دولت‌شاه» با «عباس‌میرزا» تا حدی مرتفع شود. هرچند این اختلاف ادامه یافت و هر دو شاهزاده در قلمرو فرمانروایی‌های خود یعنی تبریز و کرمانشاه دست به اقدامات سازنده‌ای در زمینه عمران و قدرت نظامی زدند تا در صورت لزوم باهم روبرو شوند. در این زمینه دولت‌شاه نیز در رقابت با «عباس‌میرزا» به آموزش نیروهای خود توسط غربیان پرداخت و همچنین دربار او محل رفت‌وآمد نیروهای روس و انگلیس بود و احتمالاً تمثال نقاشی نیز به این منظور مانند دربار تهران تهیه شده است (تصویر ۳). این نقاشی در مجموعه سلطنتی انگلیس نگه‌داری می‌شود و «فتحعلی شاه» و دوازده پسرش که در رأس آن «عباس‌میرزا» و «محمدعلی دولت‌شاه» دیده می‌شود.

پیوند هنر و سیاست در دربار «محمدعلی شاه قاجار»

هنر و سیاست، در ابتدای دوره قاجار به هم پیوند خورده و هنر این دوره ارتباط نزدیکی با سیاست پیدا می‌کند. شواهد تاریخی این دوره نشانگر گونه‌های مختلف پیوند هنر و سیاست است. مناسبات اصلی هنر و سیاست در این دوره در حمایت هنری بروز پیدا کرده است. در ورای این حمایت‌ها، علایق و منافع سیاسی صاحبان قدرت و بهره‌برداری‌های ابزاری از هنر را به‌وفور می‌توان مشاهده کرد (علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۵: ۷۶). در دوره «فتحعلی شاه» بر اساس برنامه‌ریزی‌های دربار، فهم متفاوت و گسترده‌ای از ارزش تصویر پدید آمد که منتج به تولید انبوهی از شمایل‌های شاهانه شد، به‌گونه‌ای که تصویر شاه سطح جامعه را فراگرفت (میرزایی مهر، حسینی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). پیکرنگاری درباری اصطلاحی برای توصیف مکتبی در نقاشی ایرانی است که در ادامه تجربه‌های «فرنگی سازی»^۶ در دوره صفوی پدید آمد. آغاز شکل‌گیری این مکتب از اواخر سده (۱۲ ق/ ۱۸ م) و اوج شکوفایی آن در زمان «فتحعلی شاه» قاجار بود. در این مکتب بازنمایی پیکر آدمی اهمیت اساسی دارد، بدون آن‌که شبیه‌سازی در کار باشد. اشخاص در این مکتب به‌طور قراردادی، تصویر می‌شوند و هدف نقاشی تجسم جلال، وقار و زیبایی مثالی در پیکر آن‌ها است (پاکبان، ۱۳۷۹: ۱۴۷). «دولت‌شاه» مانند پدرش «فتحعلی شاه» به ارزش هنر واقف بود و از آن در مسیر معرفی سیاسی و نمایش قدرت خود بهره می‌برد؛ همچنین او از هنر تصویر برای تأکید بر شباهت خود با پدرش، اعتراض تصویری به عدم انتخاب او برای جانشینی «فتحعلی شاه» استفاده می‌کرد و به نظر می‌رسد پیوند هنر و سیاست و ارتباط آن مانند دربار تهران مدنظر دولت‌شاه بوده است. او قوانین مکتب پیکرنگاری تهران را در دربار



تصویر ۲. شاهزاده محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله، سال اثر: ۱۸۴۵-۱۸۴۶ میلادی، هنرمند: محمدحسین میرزا شیرازی، دارای دو کتیبه، تزیین شده با قاب طلایی مزین با یاقوت‌های سرخ اعلا، مأخذ: www.sothebys.com.

یازدهم را حذف کردند و فقط متعهد شدند که در اختلاف بین شاهزادگان قاجاری تا زمانی که شاه درخواست نکرده دخالتی نکنند (محمود، ۱۳۴۴: ۲۰۰). اختلاف و رقابت میان «محمدعلی دولت‌شاه» و «عباس‌میرزا» از همان کودکی آغاز شده بود و این اختلافات تا دوره حکمرانی دو شاهزاده ادامه داشت و در نهایت با مرگ زودهنگام «محمدعلی دولت‌شاه» در سال (۱۲۳۷ ه.ق) به پایان رسید (نائیبیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۹). «محمدعلی دولت‌شاه» در آخرین درگیری با «محمدپاشا عثمانی» درگذشت. قدرت شاهزاده در برخورد با پاشایان بغداد و شرق عثمانی تا پایان عمر وی همچنان برقرار بود و او توانسته بود قدرت نافذ خود را بر قسمتی از قلمرو پاشای بغداد اعمال کند. مرگ او در اثر وبا به بیمناکی «اوود پاشا» و آرزوهای ایرانیان پایان داد (Stocqeler, 1832: 47). جسد «محمدعلی دولت‌شاه» در باغ و بیرون از کرمانشاه دفن و پس از مرگ او پسرش

۵- صف سلام نوروزی: این گروه از نقاشی‌ها در ژانویه (۱۸۳۷ میلادی) هنگامی که توسط «سرکمپبل» به «ویلیام چهارم» ارائه شد، وارد مجموعه سلطنتی شدند. کمپبل از اواسط دهه (۱۸۲۰ تا سال ۱۸۳۵ میلادی) فرستاده بریتانیا در ایران بود و پس از مرگ فتحعلی شاه با تأمین مالی نیروهای شاهزاده، نقش مؤثری در رسیدن تاج‌وتخت به نوه شاه، «محمدمیرزا» داشت (https://www.rcf.uk/search/site/qajar).

۶- فرنگی سازی: این اسلوب و شیوه از زمان «شاه‌عباس اول» شروع شد و به‌خصوص در روزگار شاه‌عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق) رونق بسیار یافت (آژند، ۱۳۸۵: ۱۸۵). فرنگی سازی اصطلاحی هنری است که به الگوبرداری ناقص از نقاشی اروپایی گفته می‌شود؛ این شیوه الگوبرداری فارغ از دید ژرف‌نگرایانه است، تقلید سطحی از شیوه نقشمایه‌های اروپایی را حاصل کرده است. این شیوه الگوبرداری در بین نگارگران قدیم ایرانی و هندی نزدیک به دو بیست سال، از سال‌های میانی سده یازدهم تا سال‌های نخستین سده چهاردهم رواج داشته است (پاکبان، ۱۳۷۹: ۲۷۱).



تصویر ۴. چپ: تصویر فتحعلی شاه، نقاش: میرزا بابا، تاریخ: (۱۸۱۰ میلادی)، ایران، مأخذ: Raby, 1999: 42.



تصویر ۳. فتحعلی شاه و عباس میرزا در کنار هم نقاش: صف سلام نوروزی^۵، محل نگه‌داری: مجموعه سلطنتی بریتانیا، شماره اموال: 1005133، مأخذ: www.rct.uk.

می‌دهد و شباهت نام هنرمندی به نام «جعفر» در نقاشی و طرح سنگ‌نگاره (به علت کیفیت پایین به نظر می‌رسد به دست افراد دیگری اجرا و رنگ‌شده است)، مشخص می‌کند که دربار او دارای بخش هنری بوده و در این زمینه فعالیت می‌کرده است. او سعی داشته است تا چهره‌ی خود را مانند پدر تصویر کند و معتقد بوده است که شجاعت از طرف پدر به او منتقل می‌شود و برای ولیعهدی به قانون خون مادر پایبند نبود. به علت شباهت چهره او در هنرهای مختلف با شخص «فتحعلی شاه» در منابع باعث بروز اشتباهاتی نیز می‌شود. او از ارزش تصویری هنر آگاه بوده و سعی داشته است قدرت خود را با تصویر و انتشار آن نمایش دهد و آگاهانه از آن استفاده می‌کرده و سعی داشته بر شباهت چهره خود با «فتحعلی شاه» تأکید نیز داشته باشد (Diba & Ekhtiar, 1998: 190).

نقاشی در دربار قاجار برای نمایش شوکت شاهانه و با اهداف سیاسی بوده است، پرورش هنر در این دوره وابسته به سفارش شاهان و شاهزادگان به‌عنوان حامیان اصلی هنری در این دوره نیز بوده است. یک نمونه از این نقاشی‌ها چهره «محمدعلی دولتشاه» متأثر از چهره‌ی «فتحعلی شاه» و با قوانین پیکرنگاری درباری در دربار تهران است.

خود در آثار هنری به دقت و کرات در تصاویر خود به کار گرفت. در تطبیق چهره «دولتشاه» با «فتحعلی شاه» این موارد را می‌توان در آثار هنری نقاشی (پیکرنگاری)، تمثال و نقش برجسته ملاحظه کرد که در فن، اجرا، قوانین پیکرنگاری درباری تمام موارد با دقت و هدفمند از تصویر «فتحعلی شاه» الگوبرداری شده است که در هر بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. تصاویر ۵ و ۴ نمونه‌های نقاشی پیکرنگاری درباری از «فتحعلی شاه» هستند که نشان می‌دهند در نقاشی پیکرنگاری قوانین تصویری دربار تهران در زمینه نقاشی به‌خوبی و دقت مورد تقلید قرار گرفته است. این قوانین تصویری به‌صورت اغراق در چهره و اندام، چکیده نگاری، تزیینات فراوان، استفاده از جواهر در تاج، لباس و ملحقات شاه قاجاری است که در تمامی هنرهای وابسته به «فتحعلی شاه» در ابعاد و اندازه‌های متنوع دیده می‌شود.

نقاشی از محمدعلی دولتشاه با تأثیر از «فتحعلی شاه»
در دربار «محمدعلی دولتشاه» مانند دربار «فتحعلی شاه» مسئله‌ی احیا و حمایت هنر مورد توجه بود و چنانچه مشخص است، او در دربار کوچک خود هنرمندانی را برای نقاشی، نشان و سنگ‌نگاره داشته و از قوانین کلی هنر دربار تهران نیز پیروی می‌کرده است. به نظر می‌رسد دربار «محمدعلی دولتشاه» در زمینه‌ی هنرهای متنوع و مختلف فعال بوده و با اینکه امروزه سه نمونه از آثار به‌جای مانده از دربار او مشخص می‌کند احتمالاً آثار بیشتری تولید می‌شده که امروزه سه اثر آن باقی‌مانده و به دست ما رسیده است. هنرمندی مانند «جعفر» که خود را نقاش دربار دولتشاه معرفی می‌کند و هنرمند دیگری که تمثال را نقاشی می‌کند از تنوع هنرمندان در دربار او خیر



تصویر ۷. راست: چهره شاهزاده محمدعلی دولتشاه امضا جعفر، سال: (۱۲۳۶ هـ.ق)، شیوه: رنگ و روغن روی بوم ساکراگری، محل نگه‌داری: موسسه سمپتسون (۱۹۹۵ میلادی)، مأخذ: همان ۱۹۰.



تصویر ۶. چپ: فتحعلی شاه نشسته روی صندلی، منسوب به مهرعلی، تهران، مأخذ: Diba & Ekhtiar, 1998: 182.



تصویر ۵. راست: فتحعلی شاه، نقاش: مهرعلی، تاریخ: (۱۲۲۹ هجری قمری)، مأخذ: آدامووا، ۱۳۸۶: ۲۴۴.

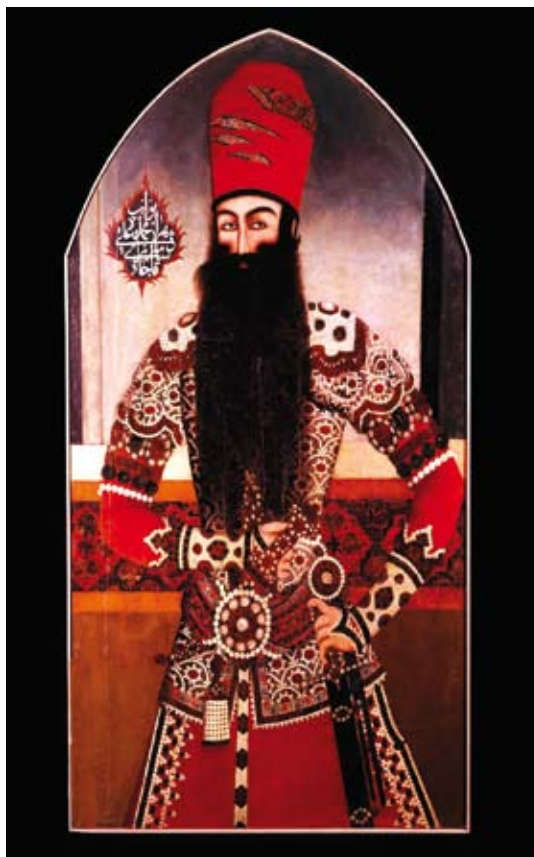
هنرمندان در آن زمان به ندرت در تاریخ ثبت می‌شده است، اطلاعاتی در مورد او موجود نیست. این نقاشی و سنگ‌نگاره طاق‌بستان کرمانشاه که شاهزاده «محمدعلی دولتشاه» را در تاج و تخت صندلی همراه با چند فرد دیگر نشان می‌دهد، دارای سبک پیکرنگاری مشابهی است. به دلیل وجود همین نقاشی و شباهت، این احتمال وجود دارد که این اثر، کار همان هنرمند گمنام به نام «جعفر» است. به نظر می‌رسد او مانند هنرمندان دربار تهران در ابتدای دوره قاجار هنرمندی چندمنظوره بوده و در زمینه‌های گوناگون هنری در دربار دولتشاه فعالیت داشته است. در قسمت پایین نقاشی در کتیبه قسمت رقم نوشته شده: «رقم چاکر دولت جعفر» به معنی بنده فروتن دربار و بارگاه که احتمالاً بر دربار دولتشاه اشاره دارد، همچنین مشخص می‌شود جعفر یکی از نقاشان دربار «محمدعلی دولتشاه» است. در کتیبه سمت راست پایین نقاشی در دو دایره نوشته شده: «نواب محمدعلی میرزا شاه قاجار، در شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۳۶ هـ.ق.» (Diba & Ekhtiar, 1998: 190). مطالعه تصویر ۷ نشان می‌دهد که نقاشی به نام «جعفر» کاملاً با قوانین پیکرنگاری درباری در دوره قاجار در تهران آشنا

در کتیبه دایره مانند گوشه سمت راست بالای نقاشی، پیکره نشسته را به عنوان فرزند ارشد «فتحعلی شاه» که به عنوان «محمدعلی دولتشاه» شناخته می‌شود، معرفی می‌کند. او در لباس شاهانه کامل فاخر با بازوبندهای مروارید و قلاب‌دوزی در سرآستین و سردوشی‌های روی‌شانه، کلاه قرمز کم‌رنگ به سبک زندیه با گل‌های رنگارنگ آن بسیار فاخر نقاشی شده است. تأثیرپذیری این نقاشی از قوانین پیکرنگاری درباری تهران درجایی از لباس و چهره دولتشاه دیده می‌شود و این نقاشی از نظر شباهت به چهره «فتحعلی شاه» نزدیک تصویر شده است. «محمدعلی دولتشاه» در این نقاشی، به صورت پیکره‌ای تمام‌قد، بارش دوشاخه و شمشیری با تزیین مروارید، بسیار مزین و آراسته با لباس مجلل، قدرتمند مانند یک جنگجوی دلیر در دربار باشکوه خود نشان داده شده است.

این نقاشی، (تصویر ۸) به وسیله هنرمندی به نام «جعفر» امضا شده است. در هیچ‌یک از آثار دیگر دربار قاجار هنرمندی به نام «جعفر» شناخته نشده و به آن اشاره‌ای نشده است. این هنرمند گمنام احتمالاً هنرمندی در خدمت دربار دولتشاه در کرمانشاه بوده و از آنجاکه اسم



تصویر ۹. تمثال نقاشی شده فتحعلی شاه، تاریخ: اواخر سده ۱۸ و ۱۹ میلادی، امضا: باقر، اندازه: نقاشی با قاب ۶۸ در ۶۹، نقاشی بدون قاب، ۶ در ۵،۵، مأخذ: www.christies.com.



تصویر ۸. چهره شاهزاده محمدعلی دولتشاه، امضا: ندارد احتمالاً جعفر؟ تاریخ: سده ۱۹ میلادی، شیوه: رنگ و روغن روی بوم، مأخذ: www.meisterdrucke.uk.

روابط دوستانه با کشورهای دیگر تمثال و تصویرهای پادشاهان بین دو طرف ردوبدل و به خدمت‌گزاران داخلی و امرا و سران خارجی اهدا می‌شد (مفخم، ۱۳۴۷: ۱۰۲). در دوره معاصر ایران اعطای نشان‌های رسمی از سوی «فتحعلی شاه» قاجار آغاز می‌شود (فیاضی، ۱۳۸۸: ۶۲۹). اولین نشان ایران که به صورت رسمی اهدا شده، در زمان «فتحعلی شاه» دومین شاه قاجار بوده است که نشان «شیر و خورشید» نام داشته است، البته سکه‌هایی با کاربرد احتمالی مدال مربوط به دوره «آقامحمدخان» نیز موجود است که احتمالاً کاربرد مدال داشته است. در زمان «فتحعلی شاه» نشان عجیبی به نام «نشان فتح» به رجال شهر تبریز اهدا شد که به مناسبت شکست ایران در جنگ‌های دوم ایران و روس و معاهده ترکمانچای بود (مشیری، ۱۳۵۰: ۱۹۵)؛ همان‌طور که بیان شد در دوره قاجاریه به سکه‌های یادبود که گاه به سبب پیروزی‌های ویژه، جشن‌ها و مراسم ملی ضرب می‌شد «مدال» نیز گفته می‌شد (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۱). تصاویر ۹ تا ۱۱ تمثال‌های نقش «فتحعلی شاه» و یک شاهزاده قاجاری است. در تصاویر ۱۲ و ۱۳

بوده و آن را به خوبی در اثر خود پیاده کرده است. تمامی موارد از نوع نشستن، آرایش پوشش، لباس، جواهرات و شمشیر، صندلی، فضای اطراف و حتی تزیینات چوبی حاشیه تصویر مورد تقلید قرار گرفته و با کیفیت بالایی اجرا شده است. تنها تفاوت این دو نقاشی از لحاظ رنگ‌های سرد به کار رفته در نقاشی «فتحعلی شاه» و رنگ‌های گرم به کار رفته در تصویر «محمدعلی دولتشاه» است. همچنین در این تصویر «فتحعلی شاه» تاج دارد و «محمدعلی دولتشاه» کلاهی به سر دارد، ریش «فتحعلی شاه» تک شاخه و ریش «دولتشاه» دوشاخه است. در باقی زمینه‌ها هنرمند تمامی کیفیت‌های لازم برای اجرای یک نقاشی درباری را اجرا کرده است. همچنین در تمثال تصاویر ۹ و ۱۰ همین قوانین و ویژگی‌ها تکرار شده است. برای بررسی دقیق‌تر این دو اثر در جدول ۱ به تطبیق ویژگی‌های اثر «دولتشاه» و «فتحعلی شاه» پرداخته شده است.

تمثال نقاشی شده «محمدعلی دولتشاه»

در تاریخ سیاسی ایران بسیار دیده می‌شود که در برقراری

جدول ۱. مطالعه تطبیق آثار در جزییات نقاشی «فتحعلی شاه» و تأثیر بر نقاشی «محمدعلی دولتشاه». مأخذ: نگارنده.

تصویر دولتشاه	تصویر فتحعلی شاه	تفاوت	شباهت	ویژگی	تطبیق
		فتحعلی شاه: تاج ریش یکشاخ دولتشاه: کلاه ریش دوشاخ	در چهره چشم، ابرو، بینی و لب	هر دو اثر قوانین پیکرنگاری درباری	چهره
		روشن با محل قرارگیری با تزیینات نقطه تیره دولتشاه بدون محل قرارگیری تیره با تزیینات روشن	کاملاً مشابه	هر دو دارای صندلی شاهانه تزیینات دسته هستند. صندلی دولتشاه: شیر	صندلی
		دست فتحعلی شاه به صندلی دولتشاه به ریش	هر دو دارای بازوبند هر دو شمشیر را گرفته‌اند هر دو انگشتان حنا بسته	شباهت در تزیینات شکل دست نحوه انگشتان	دست
		فتحعلی شاه جواهرنشان دولتشاه نقش دار	هر دو دارای کفش با تزیینات پاشنه‌دار	شباهت در قرارگیری پا روی پایه صندلی	پا
		دارای تزیینات بیشتر در کار دولتشاه آماده از غلاف کشیدن که دلیلی بر جنگجویی و دلاوری است	هر دو جواهرنشان و بلند	متأثر از نقاشی پیکرنگاری درباری	شمشیر
		فتحعلی شاه طلایی با اشعه کمتر و کوچکتر دولتشاه بزرگتر با اشعه بازتر	جواهرنشان هر دو	خورشید نمادی از سلطنت	خورشید
		فتحعلی شاه: آسمان زیبا دولتشاه: ساده تیره	هر دو فضای ساده	ساده و مقرنس‌کاری قاب مانند	فضای پشت

		فتحعلی شاه زیباتر و دقیق‌تر دولت‌شاه درشت‌تر و تزیینات کمتر	هر دو مثبت چوب	در بیشتر نقاشی‌های پیکرنگاری درباری دارد	منبت چوب
		دایره بزرگ‌تر تیره‌تر فتحعلی شاه کمربند جواهر دولت‌شاه ترمه	تزیینات جواهرنشان مشابه و دنباله بلند آویزان	هر دو کمربند جواهرنشان	کمربند
	-	نوشته دارد نواب شاهزاده محمدعلی میرزا دولت‌شاه که بالای آن یک چهره زن وجود دارد قسمت پایین: (فی شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۳۶)	ندارد فتحعلی شاه امضا و نوشته ندارد	معرفی شاه یا شاهزاده	نوشته معرفی پیکر

ریش فراوان و سیاه او مانند پدرش تأکید بسیاری شده است. این قاب نقاشی شده روی طلا با سنجاق را نشان می‌دهد که سفارشی بوده و احتمالاً به‌عنوان هدیه برای یک سفیر خارجی کار شده است. افزایش روابط دیپلماتیک بین ایران و دول خارجی انگلیس، فرانسه و روسیه، در زمان ساخت این نوع نشان‌ها برای اهدا به کشورهای خارجی، در درجه اول با هدف اصلاح ارتش ایران بود. این نشان‌ها با نقاشی‌های کوچک قاجاری برای سفارش به اروپاییان در همین اندازه و شکل و قاب معیارهای نقاشی درباری قاجار را دنبال می‌کنند» (www.bonhams.com).

در مطالعه تطبیقی تمثال‌های «فتحعلی شاه» و «دولت‌شاه» به نظر می‌رسد، دولت‌شاه همان مسیر تقلید از چهره و قوانین پیکرنگاری درباری «فتحعلی شاه» را در تکرار تصویر خود به کار گرفته است. این تمثال نقاشی شده از «محمدعلی دولت‌شاه» که او را با هیبت و شمایل «فتحعلی شاه» نشان داده، از مواردی است که با وجود آن می‌توان نتیجه گرفت دربار با اهمیت وی با افراد خارجی در ارتباط بوده است. به علت جنگ‌جویی در جنگ‌های عثمانی و روسیه از او به‌عنوان یک فرد مهم و شجاع در دربار قاجاری یاد می‌شد.

دو سکه یادبود «فتحعلی شاه» وجود دارد که در تهران و اصفهان ضرب شده است.

تصویر ۱۴، تمثالی نقاشی شده از «دولت‌شاه» را مانند پدرش نمایش می‌دهد. «تمثال نقاشی شده‌ای به شکل اشک و بسیار ظریف که دارای امضای «غلام دربار علی» از سده نوزدهم که در مجموعه «ساتینز» لندن در (۱۰ اکتبر ۱۹۹۱ میلادی) به فروش رفته و در دربار «محمدعلی دولت‌شاه» کار شده، چهره او است. این تمثال اشک گونه «محمدعلی دولت‌شاه» را در جلوی یک پنجره و پرده قرمز رنگ نشان می‌دهد و در سمت راست او کتیبه‌ای برای معرفی وی دیده می‌شود و در سمت چپ امضای هنرمندی به نام «علی» قرار دارد. این نوع نقاشی‌های کوچک بر روی مینا در دوره «فتحعلی شاه» محبوبیت زیادی داشته و بسیار شایع بوده است. این نشان‌های نقاشی شده روی مینا بسیار ظریف بوده و به سبک و با قوانین نقاشی‌های درباری کار می‌شده است. «محمدعلی دولت‌شاه» در این تصویر روی فرش تزیینی با جواهرات گوناگون احاطه شده و بازوبندهای جواهرنشان بر بازو وی بسته و شمشیرش با زمرد و یاقوت و مروارید تزیین شده را شاهد هستیم. همچنین بر

روح افزا تبدیل کرده که از زمان‌های دیرین تا به امروز مورد توجه بوده است. طاق بستان در زبان بومی (کردی) «طاق و سان» گفته می‌شود. «سان» به معنی «سنگ» است و به این ترتیب طاق بستان «طاق سنگی» نیز معنی می‌دهد. سازندگان مجموعه طاق بستان، این بخش را به صورت فضایی به شکل مستطیل با ارتفاعی حدود ۳/۵ متر، عرض ۹/۵ متر و عمق ۸/۳ متر در نظر گرفته‌اند. در طرفین بخش ورودی آن، می‌توان دو جرز را به صورت چهارگوش که از ارتفاعی بالغ بر حدود ۷/۳ متر و پهنایی حدود ۹ سانتی‌متر برخوردار است، مشاهده کرد. بر فراز این جرزها، اتاقی از قوسی نیم‌دایره‌ای شکل به اندازه ۱۰ سانتی‌متر که از سطح درونی جرزها عقب‌تر قرار گرفته، وجود دارد. بخش دیوار انتهایی، این طاق را به دو بخش تقسیم کرده است. قسمت فوقانی، یکی از این بخش‌ها را تشکیل می‌دهد که از طاقچه‌ای به عمق ۳۰ سانتی‌متر و ارتفاعی حدود ۹۳/۲ متر تشکیل شده است. در زمان حکومت قاجار نقش برجسته‌ای توسط «محمدعلی میرزا» در مجموعه طاق بستان کرمانشاه، صورت گرفته است (www.seeiran.ir). این سنگ‌نگاره از «محمدعلی دولت‌شاه» که بر روی تختی نشسته، صورتی فربه، ریشی بلند و تابدار را نشان می‌دهد. تاج او از نوع کنگره‌دار و شبیه تاج پدرش «فتحعلی شاه» است و پیراهن چین‌دار قرمز رنگی به تن دارد. کمربندی به کمر بسته که در پایین آن حمایلی دیده می‌شود. به حمایل او شمشیر و خنجر آویزان است. (تصویر ۱۷) در کنار او شعری از «بسمل» شاعر کرمانشاهی در مدح او نگاشته شده است:

این‌طور تجلی کلیم‌الله است

یا جلوه‌گر جمال دولت‌شاه است

شهرزاده محمدعلی آن کش خسرو

چو دربانی ستاده بر درگاه است

در این شعر، شاعر کوه طاق بستان را به کوه طور و جمال

دولت‌شاه را به جمال حضرت موسی (ع) تشبیه کرده و

«خسرو پرویز» را دربان «محمدعلی دولت‌شاه» معرفی

کرده است. در سمت راست او «امام‌قلی میرزا» معروف

به «عمادالدوله» (تصویر ۱۹)، به حالت ایستاده با صورتی

سه رخ و بدنی تمام‌رخ نقش شده است.

او دارای ریش کوتاه سیاه‌رنگی است و تاج جواهرنشانی

بر سر دارد. لباسش پیراهن گشاد بلندی است که متأسفانه

رنگ آن از بین رفته و خنجر و شمشیری به کمر بسته و شمشیری

در غلاف سمت چپ آن آویخته شده است. در سمت چپ

«محمدعلی دولت‌شاه» پسر دیگرش «محمدحسین میرزا»^۲

نقش شده که متأسفانه جزئیات صورت وی از بین رفته

است. تاج او از نوع تاج‌های کنگره‌دار و لباسش از پیراهن

سبزرنگ بلندی است که بر تن دارد و شمشیری در غلاف

به حمایلش بسته شده است. در جلو «محمدعلی دولت‌شاه»

با لباس قرمز، آقاغنی به حالت ایستاده با صورت و بدنی



تصویر ۱۱. تمثال نقاشی شده شاهزاده قاجاری، تاریخ: سده ۱۹ میلادی، موضوع: چهره یک شاهزاده با طوطی، قاب بیضی طلاکاری شده، مأخذ: www.reenaahluwalia.com



تصویر ۱۰. تمثال نقاشی شده از فتحعلی شاه قاجار، تاریخ: سده هفدهم میلادی، ۱۷۹۷-۱۸۳۴، ایران، سایز اثر: ۷۸ سانتی‌متر، مأخذ: www.sothebys.com



تصویر ۱۱. تمثال نقاشی شده شاهزاده قاجاری، تاریخ: سده ۱۹ میلادی، موضوع: چهره یک شاهزاده با طوطی، قاب بیضی طلاکاری شده، مأخذ: www.reenaahluwalia.com

چهره، هیبت و ظاهر و تاج او متأثر از نقاشی‌های پیکرنگاری درباری قاجار از «فتحعلی شاه» بوده و او تمایل داشت بر این شباهت نیز تأکید شود. این تمثال به شکل اشک بوده و سر «محمدعلی دولت‌شاه» در مرکز اشک قرار گرفته و دارای ترکیب‌بندی کاملی در عین کوچک بودن تصویر است. پشت این پلاک به صورت ساده بوده و با رنگ آبی فیروزه‌ای پوشانده شده است. جاهایی که رنگ کنده شده نشان می‌دهد جنس آن از طلا بوده و دارای قاب ظریف طلایی با یک سنجاق برای نصب روی لباس طراحی شده است. برای بررسی دقیق‌تر این نشان و شباهت او با چهره و معیارهای زیبایی‌شناسی و قوانین نقاشی پیکرنگاری دربار «فتحعلی شاه» این موارد در جدول ۲ با یک نقاشی «فتحعلی شاه» تطبیق داده شده است.

سنگ‌نگاره دولت‌شاه در طاق بستان

طاق بستان، شکارگاه شاهان ساسانی، مجموعه‌ای از سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نبشته‌های این دوره است که در شمال غربی شهر کرمانشاه در غرب ایران واقع شده است. وجود کوه و چشمه در این مکان، آن را به گردشگاهی

۱. بسمل کرمانشاهی، محمدحسن، شاعر کرمانشاهی، (۱۱۸۸-۱۲۵۰ ه.ق.) (www.vista.ir).

۲. «محمدحسین میرزااحشمت‌الدوله» که مادرش دخت «احمدخان مقدم مراغه»، بزرگ‌ترین نوه «فتحعلی شاه» بود و در سال (۱۲۱۸ ه.ق.) متولد شد. پس از فوت دولت‌شاه به فرمان «فتحعلی شاه» حکومت کرمانشاه را به دست گرفت و تمام مناطق حکمرانی او را به ارث برد. او پس از مدتی از حکومت عزل شد، علت این عزل در منابع تاریخی اختلافات با عمویش «محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه» و لشکر کشی به لرستان نام‌برده‌اند/سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۰.

مطالعه تطبیقی هنر پیکرنگاری
 درباری محمدعلی دولتشاه حاکم
 کرمانشاه در دوره قاجار (۱۳۳۷-۱۱۶۷)
 با آثار دوره فتحعلی شاه قاجار
 ۹۱-۷۳/ (۱۲۵۰-۱۲۱۲)

جدول ۲. مطالعه تطبیقی عناصر تصویری تمثال تصویر فتحعلی شاه و دولتشاه قاجار، مأخذ: نگارنده

تصویر دولتشاه	تصویر فتحعلی شاه	تفاوت	شباهت	ویژگی	تطبیق
		تمثال دولتشاه قاب طلائی بافت	تمثال فتحعلی شاه دارای آویز حالت میخ دار تزیینی	فتحعلی شاه بیضی دولتشاه اشک	شکل تمثال
		تاج دولتشاه نقاشی تاج دولتشاه دارای قبه تلاش برای نمایش مروارید	تأکید بر جواهرات تاج تاج فتحعلی شاه دارای سنگ جواهر واقعی	تاج جواهر نشان استفاده از جواهر واقعی بی نظیر اصلی	تاج
		فتحعلی شاه: ریش تک شاخ دولتشاه: ریش دوشاخ	تأکید بر شباهت چهره ابروان فتحعلی شاه سیاه و هلالی تر است	چشمان درشت، ابروان هلال، بینی عقاب، ریش بلند سیاه	چهره
		فتحعلی شاه: هر دودست بر شمشیر دولتشاه: یکدست کمر یکدست شمشیر	شباهت در نوع نشستن	بدن دوزانو نشسته تمام قد	بدن
		فتحعلی شاه: دست به گرز جواهر دولتشاه دست به کمر	نشسته به صورت دوزانو دودست بر پا و کمر	متأثر از نقاشی قوانین پیکرنگاری درباری استفاده از پستی جواهر نشان در تصاویر نقاشی	نوع نشستن
		فتحعلی شاه دارای پستی دولتشاه بدون پستی لباس دولتشاه روی زمین دنباله دارد	-	در اکثر نقاشی های فتحعلی شاه در نقاشی درباری دیده می شود	پستی
		تفاوت اندک در تقسیم بندی و رنگ و طرح	دارای شباهت بسیار در حاشیه منقوش رنگ آبی در وسط دور قرمز منقوش	از قوانین پیکرنگاری درباری در نقاشی قالیچه جواهر نشان نفیس	قالیچه
		دولتشاه دارای اضافه پرده تا پایین	دارد هر دو قرمز	متأثر از نقاشی قوانین پیکرنگاری درباری	پرده
		چراغ فتحعلی شان باریک تر چراغ دولتشاه جواهر نشان با تزیینات فراوان	دارای شباهت بسیار	متأثر از نقاشی قوانین پیکرنگاری درباری	چراغ
		فتحعلی شاه: السلطان فتحعلی شاه قاجار دولتشاه: شاهزاده میرزا محمدعلی دولتشاه قاجار	اسم شاه به صورت مشخص با لقب	دارد	نوشته



تصویر ۱۳. سکه‌های یادبود فتحعلی شاه، دارالسلطنه تهران ۱۲۲۷ ق/۱۸۱۳ میلادی، نوشته پشت سکه: دارالسلطنه اصفهان، روی سکه: السلطانابن السلطانابن السلطان فتحعلی شاه قاجار، مأخذ: همان.

مرحوم شاهزاده را نشسته و «حشمت‌الدوله» پسرش و پسر کوچک دیگرش «طهماسب میرزا مؤید الدوله» را داده است حجاری کرده‌اند... اما در این حین بعضی سیاحان فرنگی در تشخیص شخصیت‌های مصورشده با مشکل مواجه بوده‌اند.

به‌عنوان مثال شر الوی^۲ در اواسط دهه ۱۸۳۰ میلادی نوشته: «در غاری کلان بر یکی از جوان پیکره‌هایی رقیبت می‌شود که اخیراً تحت الامر شاهزاده‌ای حاکم بر کرمانشاه در زمان حاکمیت شاه گذشته حجاری شده است. بر آن‌ها تصویر «فتحعلی شاه» با دو تن از پسران و یکی از دخترانش نمودار است. (فلور، ۱۳۹۵: ۱۸۴). احتمالاً آنچه در شناخت افراد ذکرشده در سنگ‌نگاره در این منابع آمده است، تنها یک پسر «محمدحسین میرزا» پسر اول و جانشین دولت‌شاه در پشت صندلی او با تاج و شمشیر به تصویر کشیده شده است. «محمدحسین میرزا» (حشمت‌الدوله) پس از درگذشت دولت‌شاه تمام مناطق تحت حکمرانی دولت‌شاه را به ارث برد. نفر دیگری که در این سنگ‌نگاره دیده می‌شود «امام قلی میرزا» (عمادالدوله) است که پسر ششم دولت‌شاه بوده و قاعدتاً از «محمدحسین میرزا» باید کوچک‌تر باشد که از نظر ابعاد بزرگ‌تر از «محمدحسین میرزا» تصویر شده و لباس ساده، بدون تاج، حالت تکریم دست‌به‌سینه و نداشتن شمشیر و تاج و یک لباس ساده مشخص می‌کند که نمی‌تواند «عمادالدوله» باشد؛ همچنین بسیار دورتر از «دولت‌شاه» و «محمدحسین میرزا» قرار گرفته است.»

پیکره وسط «آقاغنی» با ریش و حالت تکریم تصویر شده است. نکته دیگر شکل بدن و دست‌ها است که در دو پیکره دست چپ‌دست به شمشیر و فاخر و متکبر است ولی زبان بدن در دو پیکره دیگر در سمت راست نوکروار است و فاقد تکبر دو پیکره سمت چپ در نشان دادن دست، بدن و تزیینات است. نوع کلاه او نیز مانند «آقاغنی» مخروطی شکل بوده و شباهتی به تاج شاه‌وار دو پیکره سمت چپ ندارد. به نظر می‌رسد در شناسایی افراد به‌اشتباه پسران

تمام‌رخ نیز نقش شده است. از مشخصات این تصویر می‌توان چنین به نتیجه رسید که تاج او مخروطی شکل، لباس بلند و به حمایلش خنجر آویزان است. در سمت چپ تصویر سنگ‌نگاره، کتیبه‌ای به خط نستعلیق نوشته شده است. این کتیبه به‌صورت وقف‌نامه‌ای است و مضمون آن حاکی از اختصاص درآمد سه دنگ از مزارع کبود خانی برای انجام مراسم عزاداری امام حسین(ع) در ماه عاشورا و سایر مراسم‌های عزاداری است.

طبق کتیبه، این سنگ‌نگاره در سال ۱۲۳۷ هـ.ق به دستور «آقاغنی خواجه‌باشی» و توسط «میرزا جعفر سنگ‌تراش» حجاری شده است (گلزاری، جلیلی، ۱۳۴۷: ۵۴). در قسمت بالای نقوش دیوار چپ طاق‌بستان که شکار خسرو در مرداب و نیزار را نشان می‌دهد، «آقاغنی خواجه‌باشی محمدعلی دولت‌شاه» سرحد دار عراقین در سال ۱۲۳۷ هـ.ق نقش دولت‌شاه والی غرب و فرزندان وی به‌وسیله «میرزا جعفر سنگ‌تراش» حجاری شده را به تصویر کشیده شده است (افشار، ۱۳۶۶: ۶۲۴). «محمدعلی دولت‌شاه» در وضعی مانند پدرش «فتحعلی شاه» تصویر شده و بر تختی جای گرفته و همراهانی در اطراف او هستند (گلزاری و جلیلی، ۱۳۴۷: ۵۷-۵۸). تصویر ۱۶ سال وقف، تصویر ۱۷ شعر بسمل در وصف دولت‌شاه، تصویر ۱۸ متن کتیبه و توضیح آن، تصویر ۱۹ تصویر نمای کلی سنگ‌نگاره طاق‌بستان با وقف نامه است که در هیچ پژوهشی تاکنون در رابطه با تصویر «وقف نامه» منتشر نشده است^۱ و تصویر ۲۰ بخشی از اشعار دور سنگ‌نگاره به خط نستعلیق و به‌صورت برجسته است.

این سنگ‌نگاره که در طاق‌بستان نزدیک کرمانشاه قرار دارد در واقع به‌منظور یادبود و بزرگداشت درگذشت «محمدعلی دولت‌شاه» است. «کیل» نخستین کسی است که این سنگ‌نگاره را توصیف کرده است: «بر فراز نقش شکار گراز که به شکل تمام برجسته منقور گشته، سه پیکره سترگ بلند قامت نقش بسته‌اند؛ اما بی‌اعتنا به قرینگی یا تناسبات که در هنر ایران شایع و پابرجاست. این‌ها را در جهت تصویر «شاهزاده مغفور محمدعلی دولت‌شاه» و فرزندش «حاکم وقت کرمانشاه» و «آقاغنی خواجه‌باشی» مجسم کرده‌اند که هنر به جهت این اثر ممتاز از پیکره‌ای ناسوده مرهون ایشان است. پیکره‌ها ملبس به جامه درباری ایران، شاهزادگان با نیم تاج‌های سلطنتی خویش و شخص خواجه‌باشی در جامه رسمی ایستاده در رکاب، این شخصیت با در نظر آوردن این‌که سنگ مربوط برای طرح و تصویر حیات و سرزندگی بسی مبهم و ناپیداست، به‌منظور تأکید و ایجاد نقاشی به پیکر تراشی بوده است. این پیکره را به چنین طریقی رنگ مال و مطلاکاری کرده‌اند تا به عقیده محلی‌ها اجزای بی جلوه تر باستانیان را تحت‌الشعاع قرار دهند؛ همچنین به گفته اعتمادالسلطنه «... بالای این صفحه «آقاغنی خواجه‌باشی»، زحمت‌کشیده صورت

۱. می‌تواند یکی از موضوعات پیشنهادی مهم در مورد پژوهش و راهی روشن‌کننده در تاریکی‌های مسیر هنرهای تصویری نیز باشد.

2. Aucher-Eloy

مطالعه تطبیقی هنر پیکرنگاری
 درباری محمدعلی دولت‌شاه حاکم
 کرمانشاه در دوره قاجار (۱۲۳۷-۱۱۶۷)
 با آثار دوره فتحعلی شاه قاجار
 (۱۲۱۲-۱۲۵۰/۷۳-۹۱)

جدول ۳. ویژگی‌های سنگ‌نگاره محمدعلی دولت‌شاه، مأخذ: همان

پیکره	مکان قرارگیری	ویژگی	تزیینات	رنگ	کتیبه	تصویر
دولت‌شاه	دومین پیکره سمت چپ	پیکرنگاری درباری متأثر از فتحعلی شاه	تاج شمشیر در غلاف خنجر کمر بند لباس قرمز	دارد سیاه لباس قرمز	کنار تصویر معرفی دولت‌شاه	
محمدحسین میرزا جانشین دولت‌شاه	اولین پیکره سمت چپ	پیکرنگاری متأثر از دوره قاجار چهره مخدوش شده است	تاج کنگره دار ساده تر از دولت‌شاه لباس سبز شمشیر در غلاف	دارد لباس سبز	-	
آقا غنی	دومین پیکره سمت راست	تاج مخروطی شکل لباس قرمز خنجر	خنجر در غلاف	ندارد	-	
امام قلی میرزا (عمادالدوله) ؟	اولین پیکره سمت راست	پیکرنگاری درباری	دارای خنجر و شمشیر کلاه قاجار	ندارد پاک شده است	-	
کتیبه	بالای دولت شاه دور قاب تصویر	خط نستعلیق	دارد	دارد آبی تیره قرمز زرد که احتمالاً طلایی بوده است	دارد دو کتیبه ۱. شعر بسمل در وصف دولت‌شاه ۲. وقف نامه‌ای برای عزاداری عاشورا	

بیان شده و تنها یک پسر پشت «دولت‌شاه» با لباس سبز و تاج یعنی «محمدحسین میرزا» تصویر شده است (سمت چپ اولین پیکره). دو پیکره دیگر به حالت دست به سینه و احترام در مقابل «دولت‌شاه» و «محمدحسین میرزا» ایستاده‌اند و پیکره چپ دورتر از بقیه تصویر شده است. پس می‌توان نتیجه گرفت این تشخیص که در منابع پسران، فرزندان و

یا دختران دولت‌شاه بیان شده اشتباه بوده و تنها یک پسر او «محمدحسین میرزا» با لباس سبز یعنی جانشین او نقش شده است. متأسفانه نوشته‌ها و کتیبه به علت بعد مسافت و نبودن تصویر واضح قابل خواندن دقیق نیست. در جدول ۳ ویژگی‌های سنگ‌نگاره بررسی شده است. از آنجاکه این سنگ‌نگاره «دولت‌شاه» را که در (۲۶ صفر



تصویر ۱۴. تمثال نقاشی شده از محمدعلی دولتشاه، محل نگه‌داری: مجموعه ساتبیز، لندن، پشت و روی تمثال، مأخذ: www.bonhams.com

متوجه این سطح رنگی شده بود درحالی‌که «رایتلینگر»^۲ نیز در حین توصیف این نگاره، خاطر نشان کرده که «... بر روی آن کماکان نشان از الوان زمخت پدیدار است...»، کتیبه مجاور این صخره نگاره بیان می‌کند که اثر حاضر به دست شخصی با «نام میرزا جعفر» (مانی ثانی) طراحی شده است. این موضوع حاکی از آن است که وی احتمالاً خودش هم نقاش بوده، درباره این شخص اطلاع بیشتری موجود نیست (فلور، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

با وجود تشابه اسمی فردی به نام «جعفر» در بخش نقاشی از «محمدعلی دولتشاه» و امضای او، طراحی نشان و سنگ‌نگاره به نظر می‌رسد با وجود پیشوند، می‌توان این احتمال را مورد بررسی قرار داد که این هنرمند می‌تواند یک فرد باشد. هنرمندی به نام «جعفر» که در دربار «محمدعلی دولتشاه» به‌عنوان هنرمند ارشد یا نقاش باشی به فعالیت‌های

۱۲۳۷ ه.ق) وفات یافته نشان می‌دهد، اثر مزبور باید بعد از مرگ او و پیش از آن‌که «کپل» آن را ببیند ساخته شده باشد. بانی ساخت این نقش برجسته احتمالاً فرزند ارشدش بوده که پس از وی به حاکمیت کرمانشاه گماشته شده است. حامی و مشوق حقیقی این کار احتمالاً «آقاغنی» بوده چراکه پسران شاهزاده در سال ۱۲۳۷ ه.ق بسیار کم سن و سال بوده‌اند، ضمن آن‌که «کپل» و «اعتمادالسلطنه» هم به این مسئله و نقش او تأکید کرده‌اند. «آقاغنی» نیز وقفی را برای شاهزاده «محمدعلی دولتشاه» در نماز و صدقه دادن در روزهای مقدس تخصیص داده بود. متن این وقف در دل صخره، بالا سمت چپ نگاره کنده‌کاری شده است، باین‌حال «لافت»^۱ عنوان می‌کند که احتمال می‌رود «محمدعلی دولتشاه» بانی این سنگ‌نگاره بوده زیرا ابیاتی که در ثنای ولیعهد و در جانب این نقش برجسته حکاکی شده در رسم خطوط و ظرافت متفاوت از متن وقف است.

اینجا در مورد تفاوت ادبی میان دو نوشته تردیدی نیست و منطقی هم به نظر می‌رسد زیرا هرکدام کارکرد متفاوتی داشته‌اند، درواقع یکی دارای ادبیات مدح است و دیگری سندی است قانونی و مشروع، حتی در زبان انگلیسی نیز تفاوت اهداف میان این دو متن بر هرکسی که فارسی نمی‌داند واضح و مبرهن است. آنچه در این نقش برجسته جالب‌توجه است، نقاشی آن با رنگ است. به گفته «اعتمادالسلطنه» این کار جهت پوشاندن حجاری نامطلوب انجام شده بود و وی خاطر نشان می‌کند «خود آقاغنی را هم با هیئت مکروه ایستاده در جلوی شاهزاده نقش کرده‌اند. طوری بد و بی‌قاعده که واقعاً مهوع است و طاق را ضایع کرده است و بس که بد حجاری شده روی اشکال را رنگ آمیزی کرده‌اند؛ الحق مایه تضییع طاق شده است.» «ریواد نئیرا»^۲ سیاح اسپانیایی در سال ۱۸۷۹ میلادی

جدول ۴. مطالعه تأثیرپذیری سنگ‌نگاره دولتشاه از سنگ‌نگاره‌های قاجار و باستان، مأخذ: همان.

موضوع	سفارش دهنده	مکان	تاریخ	کتیبه	افراد	ویژگی	تصویر
فتحعلی شاه	فتحعلی شاه	چشمه‌علی ری	۱۲۴۸ ه.ق	دارد	شاه و ۱۶ شاهزاده (دولت‌شاه نیز حضور دارد)	نمایش تصویر فتحعلی شاه و پسران با قوانین پیکرنگاری درباری برای نمایش قدرت	 مأخذ: اسکارچیا، ۱۳۷۶: ۱۰۳.
دولت‌شاه	آقاغنی	طاق‌بستان کرمانشاه	۱۲۳۷ ه.ق	دارد	دولت‌شاه محمدحسین میرزا آقاغنی امامقلی میرزا	متأثر از تصاویر پیکرنگاری درباری با قوانین درباری	 مأخذ: سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه

1. Loft
2. Naira Rivad
3. Gerald Roberts Reitlinger
از خانم نجفی، دایمی چین برای تهیه عکس از محوطه طاق‌بستان صمیمانه تشکر می‌شود.



تصویر ۱۶. سال وقف: ۱۲۳۷ هجری - قمری، متن کتیبه: «هو الوقف الضمام بر علی، مزارع کبود خانی»، مأخذ: سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه.



تصویر ۱۷. تصویر کتیبه با شعر بسمل، برجسته، رنگی، دارای ۵ گل برجسته، مأخذ: همان



تصویر ۱۸. کتیبه وقف و توضیحات وقف شاهزاده دولت‌شاه، مأخذ: همان.

هنر برای نمایش خود استفاده کرده و سعی کرده بر عدم ولیعهدی خود اعتراضی تصویری داشته باشد. تنوع آثار به دست آمده از دربار «محمدعلی دولت‌شاه» نشان می‌دهد، او دربار فرهنگی و هنری فعالی داشته و کاشف به ارزش تصویر نیز بوده و این هنرها هدفمند انجام شده است. هنر در دربار دولت‌شاه در ارتباط با ارزش تصویری هنر در رساندن پیام سیاسی مانند



تصویر ۱۵. امامقلی خان عمادالدوله، منسوب به ابوالحسن غفاری، تهران، سال: ۱۸۵۵-۱۸۶۶ میلادی، شیوه: رنگ و روغن روی بوم، ابعاد: ۶۲،۳۷۲،۸ سانتی‌متر، محل نگهداری: مجموعه هاشم خسروانی قاجار، مأخذ: Diba & Ekhtiar, 1998: 252.

هنری می‌پرداخته است، همچنین می‌تواند از تهران به کرمانشاه منتقل شده باشد یا بومی همان منطقه باشد که این امر به دلیل کمبود منابع فعال نامشخص و مجهول باقی مانده است. این سنگ‌نگاره در قابی مستطیل مانند قرار گرفته و بالای آن به صورت جناغی کار شده که می‌تواند متأثر از نقاشی‌های پیکرنگاری دربار وی باشد و «محمدعلی دولت‌شاه» را بر روی صندلی مانند و با ظاهری مانند «فتحعلی شاه» نشان می‌دهد، از آنجاکه قرابت تصویر نقاشی و این تصویر زیاد و نام هنرمند یکی است این احتمال تقویت می‌یابد، این موارد در جدول ۴ بررسی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود در سه اثر مورد بررسی در دربار دولت‌شاه، آثار مشابه و متأثر از هنر پیکرنگاری دربار «فتحعلی شاه» در تهران بوده و در هر سه اثر مورد بحث معیارهای زیبایی‌شناسی تهران در پیکرنگاری رعایت شده است. نقاشی، نشان، سنگ‌نگاره بر دستاوردهای نظامی، ملی و فرهنگی هنری و اهمیت بعد هنری دربار دولت‌شاه اشاره دارد و کیفیت آثار، جنس و ارزش آنها، معیار و زیبایی‌شناسی و تناسب و متأثر بودن آنها از اصول و قواعد تجسمی به کار رفته در نقوش و تزیینات مشخص می‌کند که او آگاهانه از قدرت و

«فتحعلی شاه» عمل می‌کرده است و بر قدرت‌نمایی شاهزاده، نمایش شکوه و جلال و فرزندان پس از او اشاره داشته است. این موارد در جدول ۵ جمع‌بندی شده است.



تصویر ۲۰. بخشی از خط وقف نامه دور سنگ‌نگاره دولت‌شاه، طاق‌بستان، مأخذ: همان.



تصویر ۱۹. نمای کلی سنگ‌نگاره دولت‌شاه، فرزند آقا غنی، طاق‌بستان، کرمانشاه، مأخذ: همان.

جدول ۵. مطالعه پیکرنگاری درباری در هنر دولت‌شاه، مأخذ: همان

			
سنگ‌نگاره	نشان	نقاشی	دولت‌شاه
نامشخص؟ (میرزا جعفر)	علی	جعفر	هنرمند
ندارد	دارد	دارد	امضا
دارد متأثر از فتحعلی شاه	دارد متأثر از فتحعلی شاه	دارد متأثر از فتحعلی شاه	پیکرنگاری درباری
۱۲۳۷ ه.ق	سال دقیق نامشخص؟	۱۲۳۶ ه.ق	سال تولید اثر
دارد	دارد شاهزاده محمدعلی میرزا دولت‌شاه	دارد	کتیبه

نتیجه

آثار هنری در دوره قاجار با نشانه‌های قدرت و سیاست پیوند خورده است و اصلی‌ترین سفارش‌دهندگان هنر در این دوره شاه و شاهزادگان بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین شاهزادگان دوره قاجار، شاهزاده «محمدعلی دولت‌شاه» در کرمانشاه بوده که برای نمایش قدرت و غرور و افتخارات خود با تأثیرپذیری از هنر در دربار تهران و قوانین پیکرنگاری برای شاه در آثار خود به کار می‌برد و می‌توان این موارد را در نقاشی، تمثال و سنگ‌نگاره از او به‌جای مانده مشاهده کرد. در تمامی این آثار قوانین پیکرنگاری از نظر شکل، اجرا و تأثیرپذیری از هنر دربار «فتحعلی شاه» بسیار پررنگ‌تر و قوی‌تر عمل کرده و در آن به دنبال اهداف و دلایل سیاسی نیز بوده است. «محمدعلی دولت‌شاه» نیز مانند «فتحعلی شاه» از ارزش سیاسی تصویر آگاه بود و از قدرت آن برای معرفی خود به‌عنوان فردی لایق در دربار قاجار استفاده می‌کرده و به انتخاب نشدنش به‌عنوان ولیعهد اعتراض داشته و این اعتراض را با تصاویر متعدد از خود با تأکید بر شباهت با پدر بیان می‌کرده است. شباهت چهره او با «فتحعلی شاه» که اغراق‌گونه به آن تکرار می‌شده است، نیز دلیلی بر این ادعا است. این موارد نشان می‌دهد که دربار دولت‌شاه در زمینه تولید آثار هنری بسیار فعال بوده و این حجم از آثار هنری به‌جای مانده برای درباری کوچک به‌دوراز تهران در دوره قاجار بسیار چشمگیر و حائز اهمیت بوده و نشان از حمایت هنر در دربار او و استفاده سیاسی از تصاویر هنری خود دارد. شباهت بالای تصویر چهره «دولت‌شاه» و «فتحعلی شاه»، تکرار قوانین پیکرنگاری درباری «فتحعلی شاه» در تصاویر دولت‌شاه، استفاده از آثار متنوع و متعدد مانند دربار تهران همچون نقاشی، تمثال جواهر و سنگ‌نگاره عظیم می‌تواند، در راستای این هدف باشد که او با تأکید بر شباهت خود و پدرش بر ولیعهدی خود تأکید داشته و دلایل انتخاب نشدن خود را به‌عنوان ولیعهد زیر سؤال می‌برده و با پیام‌های تصویری سعی بر انتقال اعتراض خود به مخاطب را داشته است. آنچه در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته، آثار هنری دربار دولت‌شاه، برطرف شدن شباهت و اشتباهات در نوشتارهای فارسی و غیرفارسی در مورد تشخیص افراد و شناخت چهره او مجزا از «فتحعلی شاه» قاجار است؛ همچنین ذکر این نکته که دربار «دولت‌شاه» درباری هنرپرور و هنردوست با سفارش آثار هنری و اهمیت دادن به هنر بوده است، نیز ضرورت دارد.

منابع و مأخذ

- اسکارچیا، جیان روبرتو. (۱۳۸۴). هنر صفوی، زند و قاجار، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
آدامووا، آدل. (۱۳۸۶). نگاره‌های ایرانی گنجینه آرمیتاژ سده پانزدهم، ترجمه: زهره فیضی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
آژند، یعقوب. (۱۳۸۵). مکتب نگارگری اصفهان، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
افشارسیستانی، ایرج. (۱۳۶۶). نگاهی به خوزستان، تهران: هنر.
بایبوردی، حسین. (۱۳۴۷). منبع وحید، شماره ۵۸، ص ۹۰۴-۹۰۹.
پاکروان، امینه. (۱۳۷۷). آقامحمدخان قاجار، ترجمه: جهانگیر افکاری، انتشارات: جامی.
پاکروان، امینه. (۱۳۷۶). عباس میرزا و فتحعلی شاه، ترجمه: صفیه روحی، تهران: انتشارات تاریخ ایران.
پاکباز، رویین. (۱۳۷۹). دائرةالمعارف هنر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
خاوری شیرازی، فضل‌الله. (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین، جلد ۱، تصحیح: ناصر افشار، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
سپهر، محمدتقی. (لسان‌الملک). (۱۳۷۷). ناسخ‌التواریخ قاجاریه، جلد ۱، جمشیدکیانفر، تهران: انتشارات اساطیر.
شمس اشراق، عبدالرزاق. (۱۳۶۹). نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان: دفتر فرهنگی استاک.



- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ ناصری، اکرم. (۱۳۹۵). پیوندهای هنر و سیاست در عصر قاجار و پیامدهای آن، مجله باغ نظر، سال ۱۳، شماره ۴۲، آذرماه ۱۳۹۵، ص ۶۷-۷۸.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۵). نقاشی دیواری در دوره قاجاریه، ترجمه: علیرضا بهارلو، تهران: انتشارات پیکره.
- فیاضی، عمادالدین. (۱۳۷۸). بررسی اسنادی از نشان‌های طلا و نقره شهر در دوره پهلوی، پیام بهارستان، دوره دوم، سری دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۸۸، ص ۶۲۹-۶۵۰.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۶۰). ایران و قضیه ایران، جلد ۱، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).
- گلزاری، مسعود؛ جلیلی، محمدحسین. (۱۳۴۷). کرمانشاهان باستان از آغاز تا سده سیزدهم، کرمانشاه: استانداری کرمانشاهان.
- مرادی، یوسف. (۱۳۸۳). طاق‌بستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- میرزایی مهر، علی‌اصغر؛ حسینی، مهدی. (۱۳۹۶). کشف ارزش تصویر در هنر عهد فتحعلی شاه قاجار، نشریه مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۴، ص ۹۹-۱۱۰.
- میرزایی مهر، علی‌اصغر. (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی نقش برجسته‌های ساسانی و قاجار، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، سال ۸، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۷۱-۸۳.
- مفخم، محسن. (۱۳۴۷). نشان‌های رسمی دولت شاهنشاهی ایران، تهران: انتشارات ایرانمهر.
- مشیری، محمد. (۱۳۵۰). نشان‌ها و مدال‌ها و یادبودهای ایران در دوره پهلوی، تهران: انتشارات پازینه.
- محمود، محمود. (۱۳۴۴). تاریخ روابط ایران و انگلیس، جلد ۱، تهران: انتشارات اقبال.
- نائیبیان، جلیل؛ برزگر، سجاد؛ خاکسار بلداجی، ابراهیم. (۱۳۹۱). پیامدهای اجتماعی و سیاسی رقابت محمدعلی میرزا دولت‌شاه و عباس میرزا، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال ۴، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۳۷.
- Diba, I.s.& Ekhtiar,M.(1998), Royal Persaian Paintings, Qajar Epoch Tauris Publishers, New York&London.
- Raby,Julian. (1999), Qajar Portraits,AzimuthEditions,Iran Heritage Foundation. London,NewYork,I.B.Tauris Published.
- Stocqeler,J.H.1832/Fifteenmonths Pilgrimage thorough Untrodden tracts of Khuzistan and Persia in journey from of India to England, voll, London: Saunders and Othey Conduit Street.
- Kepple,George.(1827).Personal narrative of a journey from India to England,Vol2,e dit2,London:Henry Colburn.
- <https://www.bonhams.com/auctions/25434/lot/63/>
- www.sothebys.com
- <https://www.christies.com/lotfinder/Lot/an-enamelled-portrait-of-fath-ali-shah-5603954-details.aspx>
- www.reenaahluwalia.com
- <http://www.seeiran.ir>
- www.vista.ir
- wikipedia.org
- <https://collections.vam.ac.uk> - www.rct.uk.

Comparative Study of the Art of Iconography in the Court of Dolatshah, the Ruler of Kermanshah, and the Works Created during the Fath Ali Shah Qajar's Period (1203-1327)

Elaheh Panjehbashi, Associate Professor, Department of Painting, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.

Received: 2023/10/11 Accepted: 2024/03/17



Mohammad Ali Dolatshah, the ruler of Kermanshah, is the eldest son of Fath Ali Shah Qajar. During his reign in Kermanshah, he left valuable services. In his court, art is as active as in the court of Tehran, and works of art such as lithography, painting, etc. can be seen. The subjects of these official and court works are influenced by Tehran. **Research question:** 1-What are the works of art left from the court of Dolatshah and what are their characteristics? 2-What is the similarity and connection with similar works of art in this period of Fath Ali Shah? **Research method:** In this research, it is descriptive-analytical and using library resources and the study of samples of lithographs, paintings and painted signs and the method of analyzing the works is based on visual principles and rules used in the art of iconography of Fath Ali Shah. **Results:** This study shows that the works of art left over from the era of Dolatshah were influenced by the formal art and court iconography of this period and were used as a historical document to record and to show his power. In all his pictures, he is seen with the posture of Fath Ali Shah and emphasizes his legitimacy to ascend the throne. In terms of the **aim** of this study, considering the importance of recognizing Mirza Mohammad Ali Dolatshah and his court in the field of works of art and that in many Persian sources the name Fath Ali Shah has been used incorrectly due to its resemblance to Fath Ali Shah Qajar, it was necessary to introduce Mirza Mohammad Ali Dolatshah. After the death of Mohammad Ali Dolatshah, his son Mohammad Hossein Mirza Heshmat al-Dawlah became the ruler of Kermanshah. The grant of various governments to Mohammad Ali Dolatshah by the Shah was for the purpose of removing the enmity of Mohammad Ali Dolatshah with Abbas Mirza to some extent. However, this dispute continued and the two princes in their dominions, namely Tabriz and Kermanshah, took constructive measures in the field of civil engineering and military power to face each other if necessary. In this regard, Dolatshah, in competition with Abbas Mirza, trained his forces by the Westerners, and also his court was a place of travel for Russian and British forces, and probably a statue of a painting has been prepared for this purpose, like the court of Tehran. Dolatshah, like his father, was aware of the value of art and used it to introduce himself politically and to show his power. He carefully and repeatedly applied the rules of the



Tehran School of Iconography to his court in his works of art. In matching Dolatshah's face with Fath Ali Shah, these cases can be seen in the works of painting (iconography), statues and reliefs. These pictorial rules are in the form of exaggeration on the face and limbs, abstracts, abundant decorations, use of jewelry in the crown, clothes and accessories of Shah Qajar, which can be seen in all the arts related to Fath Ali Shah in various dimensions and sizes. In a comparative study of the statues of Fath Ali Shah and Dolatshah, it seems that Dolatshah has used the same path of imitation of the face and laws of Fath Ali Shah's court iconography in repeating his image. This statue of Mohammad Ali Dolatshah, which was painted with the awe and image of Fath Ali Shah, is one of the cases that show that the court was in contact with foreigners due to his importance. Due to the war between the Ottomans and Russia, he was known as an important and brave person in the Qajar court. His face, majesty, appearance and crown were influenced by the Qajar court's paintings of Fath Ali Shah. He tended to emphasize this similarity. Works of art during the Qajar period are associated with symbols of power and politics, and the main commissioners of art during this period were kings and princes. One of the most important princes during the Qajar period was Prince Mohammad Ali Dolatshah in Kermanshah. In all of statues and lithographs of him, the laws of iconography have been very prominent in terms of form, execution and influence of the art of Fath Ali Shah's court on Dolatshah's court, and it seems to have been purposeful and for political reasons. Like Fath Ali Shah, Mohammad Ali Dolatshah was aware of the political value of the image and used its power to introduce himself as a worthy person in the Qajar court and objected to his non-election as Crown Prince and expressed this objection with images. The resemblance of his face to that of Fath Ali Shah, which has been repeatedly exaggerated, is also a reason for this claim. Tehran is important during the Qajar period and shows the support for art in his court and the political use of the image. The high similarity of the image of Dolatshah and Fath Ali Shah, the repetition of the rules of Fath Ali Shah's court iconography in Dolatshah's images, the use of various materials in the Tehran court such as paintings, jewelry statues and huge lithographs can be in line with this goal.

Keywords: Qajar, Iconography, Mirza Mohamad Ali Dolatshah, Fath Ali Shah Qajar, Court Art, Lithography, Painting, Emblem

References: Scarcia, Gian Roberto (2005). *Safavid Art, Zand and Qajar*, translated by Yaghoub Ajand, Tehran: Molla.

Adamova, Adele. (2007). *Iranian Paintings of the Hermitage Treasure of the Fifteenth Century*, translated by Zohreh Feizi, Tehran: Farhangestan Honar.

Ajand, Yaqub (2006). *Isfahan School of Painting*, Tehran: Academy of Arts.

Afshar Sistani, Iraj. (1787). *A Look at Khuzestan*, Tehran: Art.

Baybordi, Hussein (1968). *Source Vahid*, No. 58, pp. -904-909.

Pakravan, Amineh. (1998). *Agha Mohammad Khan Qajar*, translation: Jahangir Afkari, Publisher: Jami.

Pakravan, Amine. (1997). *Abbas Mirza and Fath Ali Shah*, translated by Safia Rouhi, Tehran: History of Iran Publishing.

Pakbaz, Roeiein. (2000). *Encyclopedia of Art*, Tehran: Contemporary Culture.

Khavari Shirazi, Fazlullah (2001). *History of Dhu al-Qamayn*, Volume 1, Edited by Naser Afshar, Tehran: Library and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.

Sepehr, Mohammad Taghi (Language of the King). (1998). *Copy of Qajar histories*, Volume 1, Jamshid Kianfar, Tehran: Asatir.

Shams Ishraq, A. (1990). *The first coins of the Islamic Empire*, Isfahan: Stock Cultural Office.

Alizadeh Birjandi, Akram. Naseri, Akram. (2016). *The links between art and politics in the Qajar era and its Consequences*, Bagh-e Nazar, Vol. 13, No. 42, pp -67-78.

Flor, Willem. (2015). *Mural painting in the Qajar period*, Translated by Alireza Baharlou, Tehran: Peykareh.

Fayazi, Emad al-Din (1999). *A Study of Documents of Gold and Silver Emblems of the City in the Pahlavi*



Period, Payam Baharestan, Volume 2, Series 2, Number6.

Curzon, George, N. (1981). Iran and the case of Iran, vol. 1, Translated by Gholam-Ali Vahid Mazandarani, Tehran: Elmi and Farhangi.

Golzari, Massoud, Jalili, Mohammad Hossein. (1968). Ancient Kermanshahs from the Beginning of the Thirteenth century, Kermanshah: Kermanshah Governorate.

Moradi, Yousef (2004). Bostan Arch, Tehran: Cultural Heritage Organization.

Mirzaei Mehr, Ali Asghar, Hosseini, Mehdi (2017). Discovering the value of Images in the art of Fath Ali Shah Qajar, Theoretical Foundations of Visual Arts, Vol. 4, pp. 99–110.

Mirzaei Mehr, Ali Asghar. (2018). Comparative comparison of Sassanid and Qajar reliefs, Journal of Comparative Studies of Art, Vol. 8, No. 15, pp. -71-83.

Mufakhm, Mohsen. (1968). Official Emblems of the Imperial Government of Iran, Tehran: Iranmehr.

Moshiri, Mohammad. (1971). Signs, Medals and Memorials of Iran in the Pahlavi era, Tehran: Pazineh.

Mahmoud, Mahmoud. (1965). History of Liran-British Relations, vol. 1, Tehran: Iqbal.

Deputy, Jalil. Sajjad Barzegar, Ebrahim Khaksar Boldaji (2012). Social and Political Consequences of the Competition between Mohammad Ali Mirza Dolatshah and Abbas Mirza, Studies in Cultural History, Research Journal of the Iranian History Association, Vol. 4, No. 13, pp.107-137.

Diba, I.S. & Ekhtiar, M. (1998), Royal Persaian Paintings, Qajar Epoch Tauris Publishers, New York & London.

Raby, Julian. (1999), Qajar Portraits, Azimuth Editions, Iran Heritage Foundation. London, New York, I.B. Tauris Published.

Stocqeler, J.H. (1832)/ Fifteen months Pilgrimage thorough Untrodden tracts of Khuzistan and Persia on journey from India to England, voll, London: Saunders and Othey Conduit Street.

Kepple, George. (1827). Personal narrative of a journey from India to England, Vol2, Edit2, London: Henry Colburn.

Internet Resources:

<https://www.bonhams.com/auctions/25434/lot/63/>

www.sothebys.com

<https://www.christies.com/lotfinder/Lot/an-enamelled-portrait-of-fath-ali-shah-5603954-details.aspx>

www.seeiran.ir

www.reenaahluwalia.com

www.vista.ir

wikipedia.org

www.rct.uk

www.meisterdrucke.uk